

بررسی عوامل مرتبط با وقوع پدیده همسرکشی بین سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳ در استان کرمان

محمد امیر محمدی^۱، امین الله زمانی^۲

^۱ دانشجوی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

^۲ دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

محمد امیر محمدی

چکیده

همسرکشی، خشونت مرگبار و چهره ای کریه از قتل عمد است که در آن زن توسط شوهر یا شوهر توسط همسرش یا توسط شخص ثالث و با معاونت یا مشارکت همسرش به قتل می رسد. آن چه که از این پدیده مجرمانه - اجتماعی، برجای می ماند، تنها تباهی عمر پدر یا مادر خانواده نیست بلکه ویرانی و فروپاشی نظام مقدس خانواده و رنگ باختن ارزش هاست. با توجه به ضعف قوای جسمانی زن نسبت به مرد، و این که شوهرکشی اغلب با معاونت یا مشارکت زن با شخص ثالث صورت می گیرد و اقدام به این فعل مجرمانه، می بایست با هماهنگی و نقشه قبلی صورت گیرد، متأسفانه باید گفت، شوهرکشی برخلاف اکثر قتل ها که جنایاتی اتفاقی هستند، جنایاتی از پیش برنامه ریزی شده است و برخلاف آن، زن کشی یک جنایت اتفاقی است. هدف مقاله حاضر، بررسی عوامل مرتبط با پدیده همسرکشی است. بدین منظور، با استفاده از روش کیفی به مطالعه ۷ پرونده های همسرکشی (۵ پرونده شوهرکشی و ۲ مورد زن کشی) بین سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳ در استان کرمان پرداختیم. یافته های این پژوهش نشان می دهد، خشونت مداوم مرد در طول زندگی زناشویی، عدم تمایل به شوهر و وجود مرد اجنبی و هم چنین ضعف قوانین مربوط به طلاق، مهم ترین عوامل مرتبط با وقوع شوهرکشی، و از دست دادن کنترل عصبی مرد در جریان مشاجره با زن، خیانت زن به شوهر و اعتیاد مرد، مهم ترین عوامل مرتبط با وقوع زن کشی، در پژوهش حاضر هستند.

واژگان کلیدی: همسرکشی، شوهرکشی، زن کشی، قتل، خشونت

مقدمه

یافته های پژوهش

در این قسمت مهم ترین یافته های پژوهش در چند قسمت جداگانه ارائه می گردد.

اطلاعات مربوط به افراد مورد مطالعه

سن متهمین در پرونده های همسرکشی

مسن ترین زن ها در این پرونده ها، دو متهم ۳۹ ساله و جوان ترین آن ها ۲۸ ساله بوده است. همان طور که در جدول بالا مشخص است، ۶۰ درصد از زنان متهم در این پرونده ها بین ۳۴ تا ۳۹ ساله بوده اند و ۴۰ درصد بین ۲۸ تا ۳۳ ساله بوده اند اما در صورتی که جمعیت مردان همسرکش را به جمعیت سنی آن ها اضافه کنیم، اکثر متهمین پرونده های همسرکشی بین ۲۸ تا ۳۳ ساله بوده اند. فاصله سنی بین همسران در پرونده های همسرکشی، نشان داد، کم ترین فاصله سنی، همسن بودن زن و مرد و بیشترین اختلاف سنی نیز، ۵۴ سال بوده است. اختلاف سنی بیش از ۲۰ سال در ۲ پرونده و بقیه موارد زیر ۱۰ سال با هم اختلاف سنی داشته اند و یک مورد نیز هم سن بوده اند. بنابراین، فاصله سنی در پژوهش حاضر، در وقوع همسرکشی دخالت چندانی نداشته است.

میزان تحصیلات

سطح تحصیلات زنان مورد مطالعه در این پرونده ها بالاتر از مردان مورد مطالعه است. بیشترین درصد در مجموع بین زنان و مردان مورد مطالعه به سطح تحصیلی زیر دیپلم اختصاص یافته است. بنابراین باید گفت، با توجه به این که تنها یک مورد از این افراد، از تحصیلات آکادمیک برخوردار بوده است، بین دارا بودن تحصیلات دانشگاهی پایین بودن احتمال ارتکاب همسرکشی در این پژوهش رابطه معناداری وجود دارد.

وضعیت دارا بودن / نبودن فرزند

تنها یک مورد از افراد مورد مطالعه، بدون فرزند بوده است و بقیه موارد، همگی دارای فرزند بوده اند و این مطلب بیانگر این واقعیت است که دارا بودن فرزند، در پژوهش حاضر هرگز مانع از ارتکاب همسرکشی نبوده است و حتی در یک مورد از این پرونده مشاهده شد که فرزند مشترک زوجین، در قتل پدر خود، با معشوق مادرش مشارکت کرده است و مدتی پس از قتل پدر، شاهد نکاح منقطع مادر خود با شریک در قتل پدرش نیز بوده است. در یک مورد نیز دیده شد که فرزند مشترک زوجین، قاتل پدر خود را از قصاص عفو نموده است و در زمان حیات پدرش نیز، یکبار که قاتل پدر از وی می پرسد آیا دوست دارد که پدرش بمیرد، جوابش آری بوده است و متأسفانه این موضوع، روایتی دردناک از روابط متلاشی اعضای این خانواده هاست.

وضعیت اشتغال افراد مورد مطالعه

تمامی زنان مورد مطالعه، در زمان ارتکاب جرم خانه دار بوده اند و از نظر اقتصادی کاملاً به همسران خود وابسته بوده اند و همین امر نیز سبب شده بود که در زندگی این زنان نظامی مرد سالار حاکم باشد. یک مورد از مردان مورد مطالعه تازه از زندان آزاد شده بوده است و شغل وی در پرونده بیکار، قید شده است و مورد دیگر، تبعه افغانستان است و شغل وی نیز کارگر ذکر شده است. با توجه به آنچه که در قسمت های مربوط به اشتغال زنان و مردان مورد مطالعه ذکر کردیم، باید گفت بین دارا بودن مشاغل دولتی و عدم امکان ارتکاب همسرکشی در این پژوهش رابطه معناداری وجود دارد.

اطلاعات مربوط به قتل

در این قسمت به اطلاعات مربوط به قتل خواهیم پرداخت. مکان قتل، زمان قتل، نحوه قتل، نوع قتل و ابزار مورد استفاده در قتل، توسط زنان و مردان مورد مطالعه را به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مکان وقوع قتل

طبق اطلاعات مندرج در پرونده های مورد مطالعه، از ۷ مورد همسرکشی، ۳ مورد یعنی ۴۲/۸۵ درصد از قتل ها در خارج از منزل و ۴ مورد یعنی ۵۷/۱۴ درصد از قتل ها در داخل منزل صورت گرفته است. بدین ترتیب، برخلاف تصور رایج، که منزل شخصی افراد را مکانی امن می پندارند، در شرایطی جزو ناامن ترین فضاهای اجتماعی بوده است و می تواند مکان وقوع جرائم و آسیب های سخت و سنگینی همچون قتل همسران بدست یکدیگر باشد.

زمان وقوع قتل

براساس داده های موجود در پرونده ها، بیشترین زمان قتل، بین ساعت ۱ بعد از ظهر تا ۱۲ نیمه شب بوده است.

نقش افراد مورد مطالعه در ارتکاب قتل

با توجه به اطلاعات موجود در پرونده های مردان همسرکش، آن ها زنان خود را در پی مشاجره لفظی و پس از، از دست دادن کنترل عصبی خود، به قتل رسانده اند و قصد قبلی در کار نبوده است و تصمیم به قتل بطور آنی و بدون هیچ نقشه قبلی صورت گرفته است.

اگرچه در دو پرونده همسرکشی توسط مردان، شیوه های انتخابی با هم متفاوت است اما یک نکته مشترک در مورد نوع آلت مورد استفاده وجود دارد و آن این است که هر دو مرد قاتل در اعترافات خود به این مطلب اشاره کرده اند که استفاده از روسری مقتول در یک پرونده و استفاده از چوب و کوبیدن ضربه به سر مقتول دیگر، به دلیل این بوده است که این وسیله ها در دسترس ترین وسیله در لحظه ارتکاب به قتل بوده اند.

داده های موجود حاکی از این است که ۱۰۰ درصد از مردان همسرکش، نقش مباشرت در قتل را داشته اند، یعنی تمامی مردانی که همسران خود را به قتل رسانده اند، به تنهایی دست به این کار زده و هیچ همدستی نداشته اند.

یافته های پژوهش حاضر، نشان می دهد، ۸۰ درصد از زنان مورد مطالعه، در قتل همسران شان، متهم به معاونت در قتل و ۲۰ درصد، از این جامعه، متهم به مباشرت در قتل بوده اند. در این پرونده ها هیچ موردی از مشارکت در ارتکاب قتل، دیده نشد. اطلاعات ارائه شده با این واقعیت که زنان نسبت به مردان از قوای ضیفی برخوردارند و برای مقابله فیزیکی با مرد مجبور به استمداد از شخص ثالث بوده اند هم خوانی دارد و نکته جالب تر در این مورد این که، تنها مورد مباشرت در قتل همسر، زن ۲۸ ساله ای است که اقدام به قتل همسر ۸۲ ساله خود نموده است و این نیز مؤید این مطلب می باشد.

در این پرونده ها از میان زنانی که متهم به معاونت در قتل شوهر خود بوده اند، ۲ مورد از آنان به شدت هرگونه وحدت قصد با قاتل را انکار کرده اند و نهایتاً نیز به دلیل فقدان ادله کافی تبرئه شده اند، اما یک نکته در مورد هر دوی آن ها وجود دارد این است که رابطه معناداری میان این زنان و مباشرت قتل وجود داشته است چرا که در یک مورد «م»، که از نظر تحصیلات از تمامی متهمین پرونده های همسرکشی در سطح بالاتری قرار دارد و ثابت نموده است که در لحظه ارتکاب قتل در آن شهر نبوده است، پس از قتل همسر خود در زمانی که هر زن عزاداری از نظر روحی در شرایط مناسبی نیست و باید در جمع کسانی که برای عزاداری به منزل وی می آیند قرار گیرد، با مباشرت قتل بر طبق شنود مکالمات تلفنی اش توسط اداره اطلاعات، بیش از صد صفحه از مکالمات تلفنی عاطفی وی با مباشرت قتل، توسط مامورین ذی صلاح نگاشته شده است و در پرونده به شدت خود نمایی می کند. در مورد دیگر نیز «ل»، ۳۴ ساله، در اندک زمانی قبل از وقوع قتل، برای قاتل اتومبیلی خریداری نموده است و به نام وی زده است و این در حالی است که این زن خانه دار است از نظر وضعیت اقتصادی در شرایطی نبوده است که بتواند براحتی، چنین چیزی را به قاتل بدهد.

داشتن / نداشتن قصد و تصمیم قبلی به قتل در زنان مورد مطالعه

۴۰ درصد از زنان مورد مطالعه، منکر هرگونه وحدت قصد با مباشرت در ارتکاب قتل بوده اند و در ۲۰ درصد موارد، قتل به صورت آنی و در جریان مشاجره لفظی با مقتول و بدون کمک و نقشه قبلی صورت گرفته است. در ۲۰ موارد، وقوع قتل، نه خواسته مباشرین و نه معاون قتل، نبوده است بلکه قتل بصورت اتفاقی و در جریان سرقت صورت گرفته است که ضربه وارده برای بیهوش کردن، به مقتول وارد شده است اما منجر به قتل وی شده است. در ۲۰ درصد موارد قتل با نقشه قبلی میان معاون و شرکاء جرم، صورت گرفته است.

شایان ذکر است تمامی این درصد های ارائه شده در این مورد، با توجه به اظهارات زنان مورد مطالعه ارائه شده است اما اطلاعات مندرج در پرونده هایی زنان متهم، مشاهده شد در یکی از این موارد، زن، با توجه به این که از نظر مالی، متکی به شوهر خود بوده است، قبل از وقوع قتل، ماشینی برای قاتل خریداری نموده است و به وی سند ماشین را انتقال داده است و در مورد دیگر نیز، مشاهده شد، که زن با مباشرت قتل، در ایام مرسوم برای عزاداری در رسوم ایران (یعنی از روز اول تا چهارم پس از وفات)، با قاتل ساعت های زیادی مکالمات تلفنی عاطفی داشته است که توسط مامورین شنود شده اند و بصورت بیش از صد صفحه به رشته تحریر درآمده اند که ادعای عدم وحدت قصد با مباشرت در قتل را با تردید مواجه می سازد. البته در پرونده این زنان امارات و نشانه های دیگری نیز وجود دارد که عدم صدق در گفتار را در این مورد، به ذهن متبادر می سازد.

تمامی مردان مورد مطالعه (با توجه به متن اعترافات شان)، به صورت آنی و در حین مشاجره با همسران شان، آنان را به قتل رسانده اند.

آلت قتل مورد استفاده در ارتکاب قتل

زنان در پرونده های جامعه هدف، جز در یک مورد که متهم به مباشرت در قتل بوده است، بقیه موارد همگی متهم به معاونت در ارتکاب قتل همسرانشان بوده اند، لذا، تنها در یک مورد که زن مباشر در قتل همسرش بوده است و با وارد کردن ضربات متعدد سنگ به سر، صورت و پیشانی مقتول، اقدام به قتل وی نموده است، در بقیه موارد، ارتکاب قتل و انتخاب شیوه قتل بوسیله شخص ثالث صورت گرفته است و زنان، تنها معاون در ارتکاب قتل بوده اند و در عملیات اجرایی قتل، شرکت نداشته اند.

مردان مورد مطالعه در ارتکاب قتل همسران خود، با توجه به این که در جریان مشاجره با همسران خود و بدون نقشه قبلی مرتکب قتل شده اند، از در دسترس ترین وسایل استفاده کرده اند، لذا، در یک مورد، قاتل، از روسری مقتول و در مورد دیگر، از چوب برای به قتل رساندن همسران شان استفاده کرده اند.

سبب شناسی عوامل مرتبط با همسرکشی

در وقوع پدیده همسرکشی عوامل بسیاری می توانند دخیل باشند اما برای آن که بتوان به بررسی دقیق تری پرداخت، می بایست سبب شناسی عوامل مرتبط با همسرکشی را در هر یک از انواع آن، بطور جداگانه انجام داد، لذا در ادامه به آن ها می پردازیم.

سبب شناسی عوامل مرتبط با شوهرکشی

شوهر کشی، با این روند روز افزون در دهه های اخیر نسبت به گذشته، در جامعه زنان ایرانی، پدیده ای نوظهور است، چرا که در کشورهای شرقی و همین طور در فضای فرهنگی کشورهای جهان سومی مانند ایران، احترام بی چون و چرا نسبت به مردی که عنوان شوهر را یدک می کشد، برای زنان این جوامع میراثی آبا و اجدادی است و تعریف این دو نقش در نظام خانواده در این جوامع، به ناچار از زن فردی مطیع می سازد و البته نباید از نقش مذهب که غالباً بسیار پررنگ است غافل شد که زنان را به اطاعت از همسر خود دعوت می کند. اما در چند دهه اخیر بویژه دهه حاضر، زنان با سرعت روز افزون در حال پیشرفتی شگرف در زمینه هایی چون علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و حضور زن در جامعه در چهره های مختلفی از شاغل شدن او در فضای بیرون از خانه و حضور در جمع زنان و مردان دیگر و خود کفایی اقتصادی زن از مرد و حضور وسائل ارتباط جمعی و راه یافتن ماهواره به منازل و امکانات ارتباطی و اطلاعاتی که کامپیوتر برای خانواده ها به ارمغان آورده است سبب تحولی شگرف در نقش زنان در جامعه گردیده است، و در واقع می بایست از آن به عنوان شوکی بزرگ در ساختار نظام نقشهای خانواده یاد کرد.

از زن در فرهنگ ایرانی عموماً به عنوان فردی یاد می شود که با فداکاری مثال زدنی خود، بار سختی ها و مشقت های زندگی خانوادگی را با ایثار به دوش می کشد و به عنوان مادر و همسر بیش از آنچه که از این نقش در نظام خانواده انتظار می رود ایفای نقش می کند و بر خلاف زن در جوامع غربی که با بروز کوچک ترین مشکل، بی توجه به وجود فرزند و تعلقات عاطفی، خانواده را ترک می کند، زن ایرانی با وجود تمام مصائب پیش رویش به زندگی ادامه می دهد و هم پای مرد خانواده به عنوان یاری خستگی ناپذیر او را نیز در ایفای نقشش یاری می نماید.

با این توصیفات از زن ایرانی، باید دید چگونه ممکن است این همسر مهربان و مادر فداکار، به چنان بن بست برسد که اقدام به قتل هم سفر زندگی خود کند و یا رضایت به آن دهد

در قتل شوهر توسط همسرش یا با معاونت وی، علل بسیاری دخیل هستند که مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱- خشونت مداوم شوهر در طول زندگی زناشویی

بد رفتاری با زنان در محیط خانواده، در همه کشورهای جهان مسئله ای کاملاً رایج و دارای عواقب و نتایج وخیمی است. اگرچه خشونت علیه زنان در خانواده از قدیم الایام وجود داشته اما تنها چند سالی است که کشورهای مختلف جهان آن را به عنوان مسئله مهمی تلقی کرده و به اقداماتی به منظور رسیدگی به وضعیت بگرنج زنان قربانی سوء رفتار دست زده اند. (معظمی، ۱۳۸۸، ۱)

آنچه که در تمامی پرونده های شوهرکشی مورد مطالعه، با آن مواجه هستیم، این است که همه زنان متهم به مباشرت و همچنین معاونت در قتل همسر خود، به خشونت شوهر خود در طول زندگی مشترک اشاره نموده اند.

در مجموع باید گفت مهم ترین سبب وقوع این جنایت خانوادگی، خشونت مرد در محیط خانواده بوده است.

۲- عدم تمایل به همسر و وجود مرد اجنبی به عنوان معشوق

زنان مورد مطالعه در این پژوهش همگی به دلایل مختلفی تمایلی به همسر خود نداشته اند که مهم ترین دلایل عدم تمایل به شوهر از سوی این زنان عبارتند از:

۱- اخلاق و رفتار غیر قابل تحمل مرد

۲- خشونت های جسمی اعمال شده از سوی مرد نسبت به زوجه و سایر اعضای خانواده

۳- ازدواج های تحمیلی و عدم علاقه به همسر، پیش از ازدواج

۴ - اختلاف سنی زیاد و عدم درک متقابل زوجین نسبت به یکدیگر

۵ - هوسرانی و تنوع طلبی مرد

۶ - عدم جذابیت همسر

۷ - از بین رفتن عشق و علاقه سابق به مرد

۸ - ازدواج های متعدد مرد و عدم توجه مرد به همسرش

۳ - قوانین مربوط به طلاق

شاید اولین سوالی که در مورد زنانی که مرتکب قتل همسر خود می شود مطرح می شود این است که چرا این افراد طلاق را به عنوان راهی قانونی برای خاتمه بخشیدن به زندگی مشترک با همسر خود انتخاب نکرده است ؟

برای پاسخ به این سوال با نگاهی به پرونده های این زنان می بینیم که طلاق برای این زنانی که راهی جز پایان دادن به زندگی مشقت بار مشترک خود با شوهر ندارند از نظر آنان راهی ناکارآمد است، چرا که در بسیاری از موارد بارها این افراد این راه را انتخاب کرده اند اما با توجه به این که طلاق برای زنان در ایران پروسه ای طولانی و طاقت فرسا می باشد و زن در نهایت در بسیاری از موارد، برای نیل به این هدف، می بایست از تمامی حقوق مادی خود چشم ببوشند و حضانت فرزندان خود را هم از دست بدهد، این مسئله در واقع معلول این است که قانون گذار طلاق را بعنوان حقی به مرد واگذار کرده است.

سبب شناسی عوامل مرتبط با زن کشی

اقدام به قتل همسر توسط شوهر ممکن است به دلایل مختلفی واقع شود که مهم ترین دلایلی که در ارتکاب قتل همسر از سوی مردان موضوع این پژوهش، می توان به آن ها اشاره کرد عبارتند از :

۱ - از دست رفتن کنترل عصبی مرد در جریان مشاجره زن و شوهر

وجود اختلافات شدید میان زوجین که ممکن است معلول عللی چون وجود تفاوت های عمیق فرهنگی و گاه مذهبی میان زوجین، مانند عدم تقید زوجه به اصول و موازین شرعی و اخلاقی و عدم توجه به روحیه زوج و ارتباط با دیگر مردان بدون وجود قید و بند از سوی زن که ممکن است آتش غیرت و حسادت را در مرد شعله ور سازد و عواقب غیر قابل جبرانی مانند قتل زن از سوی شوهر را ببار آورد، و دخالتهای اطرافیان در زندگی مشترک این دو و بسیاری موارد دیگر سبب گردد تا مرد در جریان مشاجره خود با همسر، کنترل عصبی خود را از دست داده و به همسر خود حمله کند و به وی آسیب برساند که این گاه ممکن است به قتل زوجه (و یا حتی زوج) منتهی گردد حال آن که قتل همسر هرگز، از قبل خواسته وی نبوده و چه بسا به همسر خود علاقه شدیدی داشته است و مرگ او برایش بسیار جان فرسا باشد.

۲ - خیانت زن به شوهر

در این که مرد اقدام به قتل همسر خود به دلیل خیانت وی می نماید، دو صورت متصور است :

حالت اول (زن واقعا به همسر خود خیانت می کند .

حالت دوم (مرد به تصور خیانت، زن را به قتل می رساند حال آن که زن هرگز به وی خیانت نکرده است و خیانت زن، تصویری باطل بوده است .

خیانت زن به مرد، فقط صورت مسئله است، این که یک زن به همسرش خیانت کند لایه های پنهانی دارد که گاه به زن، گاه به مرد، گاه به شرایط پیش از ازدواج و یا شرایط هنگام ازدواج این دو و... بستگی دارد.

ازدواج های اجباری که از سوی پدر و مادر بر دختران تحمیل می شود گاه سبب می شود تا زن هرگز در زندگی مشترک خود با زوج احساس خوشبختی نکند و به دنبال به وجود آمدن علاقه ای میان زن و مرد دیگری غیر از شوهر، زن به همسر خود خیانت کند و گاه ممکن صورت دیگری از این موضوع رقم بخورد و آن وجود عشق آتشی میان زوجه و مردی دیگر قبل از ازدواج که با مخالفت خانواده و اجبار وی به ازدواج با زوج، به وصال نرسیده است سبب این موضوع گردد.

به هر حال واقعیتی که وجود دارد این است که خیانت زن به همسرش چه واقعا رخ داده باشد چه خیال باطلی از سوی زوج باشد یکی از مهم ترین دلایل قتل زنان به دست شوهرانشان است اما آن چنان که پیش از این نیز گفتیم، مردان متهم به همسرکشی در این پژوهش به خیانت همسر خود بارها اشاره کرده اند و از این مطلب اظهار تنفر نموده اند اما خود، علت تامه قتل همسر خود را از دست دادن کنترل عصبی خود در جریان مشاجره با زن، معرفی کرده اند.

۳- اعتیاد مرد

نکته جالب توجه در مردان همسرکش موضوع این پژوهش، این است که هر دو هنگام وقوع قتل معتاد بوده اند و حتی در پرونده «ص» می خوانیم که، قبل از قتل همسرش، مواد مخدر مصرف کرده است و جالب تر آن که لوازم استفاده و مواد مخدر را، مقتول برای وی آماده کرده است.

نتیجه گیری

این تحقیق با تحلیل محتوای کیفی پرونده های همسرکشی استان کرمان (مربوط به سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۳)، در پی آن بوده است تا علل، عوامل و انگیزه های همسرکشی در زنان و مردان و وجوه اشتراک و تفاوت میان شرایط و مختصات زندگی آنان را مورد شناسایی قرار دهد.

داده ها و یافته های مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی و اجتماعی افراد مورد بررسی نشان می دهد که پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده رهیاب اکثریت قاتلان مورد مطالعه، بسیار پایین بوده و افراد مذکور، از میان محروم ترین قشرهای اجتماعی جامعه ما برخاسته اند. از این رو، می توان گفت میراث فقر مادی و فرهنگی خانواده منشأ، به صورت بین نسلی به فرزندان آنان (قاتلین فعلی) انتقال یافته و به صورت مستقیم و غیرمستقیم شرایط بعدی آنان را در زندگی شخصی و خانوادگی مستقل در بزرگسالی و در چرخش های اصلی حیات- یعنی عبور از تحصیل به اشتغال، از تجرد به تأهل و مسئولیت پذیری و از سکونت در خانه پدری به منزل شخصی- به طور جدی و اساسی تحت تأثیر قرار داده است. چنین محرومیت مزمنی همراه با فقدان چتر حمایتی خانواده منشأ، در رابطه با مشکلات بعدی زوجین، زمینه ساز آسیب دیدگی و آسیب زایی افراد مذکور و بروز انحرافات و جرائم مختلف، از جمله قتل شریک زندگی، از سوی آنان گردیده است. در این پژوهش، مردان در تمام موارد، خود به تنهایی و بدون کمک فرد/ افراد دیگر، دست به قتل همسران خود زده اند، درحالی که اکثریت قریب به اتفاق زنان، از کمک فرد/ افراد دیگر در قتل همسر خود استفاده کرده و نقش معاونت داشته اند.

در مورد ابزار استفاده شده توسط زنان و مردان همسرکش نیز، کارد (سلاح سرد) بیشترین ابزار مورد استفاده توسط مردان و نیز زنان همسرکش بوده است. زنان در پرونده های موضوع پژوهش، اکثراً با طرح و نقشه قبلی دست به قتل همسر خود زده اند.

سابقه ی آزار دیدگی زنان از سوی مردان (شوهران) قبل از ارتکاب قتل، عامل خطرزای دیگری در همسرکشی است. در این بررسی مشخص شده است که ۸۰ درصد از زنانی که همسرانشان را به قتل رسانده اند، از خشونت های فیزیکی و روانی شوهران خود رنج می برده اند، درحالی که این موضوع در مورد مردان مصداقی نداشته است. برخلاف مردان، زنان بعد از سال ها تحمل خشونت های فیزیکی و پس از این که احساس کرده اند تمام منابع حمایتی و کمکی موجود بی فایده بوده، از ترس جان و زندگی، همسر خود را به قتل رسانده اند.

در تجزیه و تحلیل نهایی علل و عوامل همسرکشی در اسناد مربوطه، مشخص گردید که زنان و مردان همسرکش، از نظر شدت و تراکم فشار روانی اجتماعی در زمان ارتکاب قتل (همسرکشی) در شرایط نامناسب و بغرنجی قرار داشته و هرکدام از آنان منابع فشار گوناگونی را تجربه کرده بودند که در واقع، اثر برآیند مجموع عوامل خطرزا یا تشدید کننده مثبت و منفی موجود در زندگی آن هاست که از منابع مختلف به سوی آنان جریان می یابد. طبق بررسی حاضر، منابع فشارهای مذکور در وجه ایجابی عدم دستیابی به اهداف و انتظارات ارزشمند مثبت (انتظارات زنان و مردان از زندگی مشترک و شکست در کسب این انتظارات) و فشار در نتیجه گسست بین پیامدهای عادلانه (مطلوب) و پیامدهای واقعی و در وجه سلبی، از دست دادن محرک های مثبت ارزشمند و وجود محرک های منفی در زندگی مشترک بوده است. اکثر این زنان و مردان، در اثر فشارهای انباشتی در زندگی، هنگام ارتکاب قتل دچار احساسات منفی (به ویژه خشم) بوده اند. تجربه این فشارها و تأثیر آن ها بر افزایش خشونت و ارتکاب جرم با مؤلفه ها و گزاره های مطرح در رویکرد فشار، به ویژه تئوری فشار عمومی آگنیو همسو بوده و بر این اساس یافته های پژوهش ما قابل انتساب به نظریه مذکور است.

در این بررسی، اغلب زنان همسرکش به علت عدم استقلال مالی، عدم حمایت از جانب خانواده رهیاب، تحصیلات پایین و نداشتن شغل، غالباً مجبور به ادامه زندگی همراه با نارضایتی شدید، تضاد و درگیری با همسرانشان بوده اند، در نتیجه تنها راه باقی مانده، حذف فیزیکی شوهر (به عنوان عامل در دسترس و مرئی) بوده است. در مورد مردان نیز، چون منابع قدرت (اقتصادی و اجتماعی) کمی در اختیار داشته و از طرفی دیگر درصدد سلطه خویش را نیز بر خانواده اعمال کنند، برای تحکیم سلطه و نهادینه کردن قدرت مردانه خود در روابط خانوادگی، غالباً از استراتژی خشونت، به عنوان تنها منبع در دسترس، استفاده کرده اند.

۳-۶ پیشنهادات پژوهش

در این قسمت، بر اساس نتایج و یافته های پژوهش، راه کارهایی به منظور پیشگیری و کاهش وقوع همسرکشی ارائه می گردد:

۱- از آن جایی که وضعیت و مشکلات اقتصادی تأثیر زیادی بر زندگی خانوادگی افراد می گذارد و نتایج این تحقیق نشان می دهد که بسیاری از قاتلین در وضع اقتصادی بدی به سر می برند لذا دولت بایستی در این زمینه با فراهم کردن کار، با درآمد مناسب برای همه افراد جامعه و دادن بیمه بیکاری به بیکاران، زمینه مشکلات اقتصادی را در خانواده ها را کاهش دهد.

۲- از آن جایی که مساله جنسی و ناموسی در به وجود آمدن قتل های خانوادگی بسیار تاثیر گذار است باید اقداماتی به این شرح انجام شود:

الف: دادن آموزش های جنسی به زوجین قبل از ازدواج با بروشورها و سی دی های آموزشی جهت ارتقای سطح دانش جنسی زوجین.

ب: دادن آموزش جنسی به زوجین درباره اختلالات و بیماری های جنسی و تشویق آنها برای مراجعه به پزشکان برای درمان این بیماری ها

ج: دادن آموزش های اخلاقی و تشویق زوجین به تعهد به خانواده.

د: دادن آموزش اجتماعی به زوجین جهت انجام رفتارهای اجتماعی مناسب و نحوه ارتباط با جنس مخالف برای جلوگیری از سوء ظن و بد گمانی.

ه: از آن جایی که بد بینی و سوء ظن گاه یک بیماری است، باید نشانه های آن را به مردم آموزش داد و مردم را برای مراجعه به مشاور در جهت درمان تشویق کرد.

۳- از آن جایی که دست یافتن به تحصیلات برای همه مقدور نیست و افراد در این زمینه فشارهای را متحمل می شوند باید اقدامات زیر را انجام داد:

الف: فراهم کردن امکان ادامه تحصیل برای همه مردم به صورت رایگان و دادن کمک به مردمی که در این زمینه توانایی مالی برای ادامه تحصیل را ندارند.

ب: دادن برنامه های آموزشی به مردان برای جلوگیری از محدود کردن همسران خود از ادامه تحصیل.

ج: جلوگیری از ازدواج های زود هنگام در هنگام تحصیل.

۴- از آن جایی که بعضی از ازدواج ها به دختران در خانواده تحمیل می شود و در زندگی زناشویی آن ها موجب مشکلاتی می شود لازم است برنامه های آموزشی جهت جلوگیری از این ازدواج ها انجام گیرد.

۵- تاسیس مراکزی خاص که دارای وکلای با تجربه در زمینه مسایل خانواده باشند، تا زنانی که در زندگی خود به مشکلی مواجه شدند از آن ها یاری طلبند و از این طریق با حقوق خود آشنا شوند و در مواقع ضروری بتوانند در دادگاه از این وکلا استفاده کنند. البته لازم است که این مراکز دولتی باشند و هزینه ها آن را دولت بپردازد.

۶- اکثر زنانی که همسر خود را به قتل رسانده اند، حاضر به طلاق بودند، ولی شرایط آن مهیا نشده بود، و با موانعی روبه رو شده بودند. بنابراین لازم است قوه قضایه در این زمینه عادلانه تر عمل کند و در صورت لزوم و پس از انجام تحقیقات مفصل و فوری برای طلاق این زوجین اقدام کند. انجام تحقیقات ویژه در مورد مشکلات زندگی این نوع زوجین می تواند از طریق تیم ویژه ای دنبال شود.

۷- زنانی که در معرض بد رفتاری های شدید هستند باید محل امنی برای پناه بردن در اختیار داشته باشند، این امکانات باید متناسب با شرایط فرهنگی جامعه باشد.

۸- بسیاری از خانواده ها که قتل در آنها رخ داده است گرفتار دیگر انحرافات مانند اعتیاد، مصرف مشروب و... بوده اند و لازم است که برای پیشگیری از این امور برنامه ریزی دقیق تری صورت گیرد.

۹- نیروی انتظامی بایستی به طور دائم به مردم هشدار دهد و این تصور و عقیده را در جامعه به وجود آورد که در نهایت قاتل دستگیر می شود و هیچ قتلی برای همیشه پوشیده نمی ماند.

۱۰- صدا و سیما باید برنامه های آموزشی لازم را جهت افزایش آگاهی مردم درباره زندگی زناشویی و جنسی ارائه دهد، و از جامعه شناسان و روانشناسان و متخصصین دیگری که در حیطه خانواده تحقیق می کنند جهت افزایش سطح آگاهی جامعه استفاده کند.

۱۱- آموزش و آگاه کردن خانواده ها برای بهتر رفتار رفتار کردن با یکدیگر و فرزندان و نشان دادن آثار تخریبی اقدام های خشونت آمیز و ضرب و شتم به اعضای خانواده.

۱۲- از آن جایی که تمامی قاتلین تحقیق ما از جنبه های تحت فشار بودند باید شرایطی فراهم شود تا این فشار ها در افراد در جامعه کاهش یابد، مثلاً با افزایش امکانات رفاهی و ورزشی برای همه مردم و آموزش تکنیک های کاهش فشار مانند کنترل خشم و... توسط روانشناسان.

- ۱۳ - بیشتر مردان در پرونده های مورد بررسی (قاتلان و مقتولان) گرفتار اعتیاد به مواد مخدر بوده اند، لازم است دولت برای پیشگیری و درمان این معضل اجتماعی، برنامه ریزی های جدی تر و کارآمدتری ارائه دهد تا رابطه اعتیاد و آسیب هایی نظیر قتل، قطع گردد.
- ۱۴ - آموزش به خانواده ها به منظور جلوگیری از ازدواج اجباری دختران و نشان دادن نتایج وخیم روانی اجتماعی ازدواج های اجباری به خانواده ها.
- ۱۵ - لزوم تدوین و تصویب قوانین سخت گیرانه تر در مورد خشونت های خانوادگی و دخالت دولت در مسائل درون خانواده ها.
- ۱۶ - ایجاد و توسعه سازمان های حمایتی و خدمات اجتماعی به منظور حمایت از زنان خشونت دیده، تأسیس خانه ها و پناهگاه های امن برای این زنان و نگهداری از آنان تا زمان حل نهایی مشکلاتشان.
- ۱۷ - توانمند کردن زنان با مهارت هایی که بتوانند استقلال مالی پیدا کرده و به خاطر مشکلات مالی و عدم تأمین مادی، مجبور به ادامه زندگی پر از خشونت نباشند.

منابع و مراجع

- [۱] آشوری، محمد و معظمی، شهلا، نگاهی به پدیده همسرکشی در استان فارس، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، دوره ۵۸، شماره ۳، ص ۲۷
- [۲] عباسیان، ماریا، مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی، نشریه زن در توسعه سیاست، ۱۳۹۰، دوره ۹، شماره ۲، ص ۸۱-۱۱۶.
- [۳] معظمی شهلا، جرم شناسی خشونت خانگی و همسرکشی در سیستان و بلوچستان، نشریه زن در توسعه سیاست، ۱۳۸۸، دوره ۲، شماره ۲، صفحه ۱
- [۴] بی، ارل، ۱۳۸۴، روش های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت، ج دوم
- [۵] جعفری دولت آبادی، عباس، ۱۳۸۸، قتل های مبتنی بر جنسیت، تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ج ۲
- [۶] صابری، مهدی، ۱۳۸۸، اختلالات روانی و خشونت در خانواده، ابعاد روان شناختی خشونت خانگی (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ج ۳
- [۷] قربان نیا، ناصر، ۱۳۸۸، مباحث کیفری خشونت مبتنی بر جنسیت، تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ج ۱
- [۸] گلدیان، ژاکلین، ۱۳۸۸، بررسی تاثیر اعتیاد در بروز خشونت خانگی، ابعاد روان شناختی خشونت خانگی (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ج ۳
- [۹] معتمدی مهر، مهدی، ۱۳۸۰، حمایت از زنان در برابر خشونت، تهران، نشر برگ زیتون
- [۱۰] مهرپور، حسین، ۱۳۸۸، نقد و بررسی قوانین تاثیرگذار بر خشونت علیه زنان، تدابیر حقوقی کاهش خشونت مبتنی بر جنسیت (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات سازمان دفاع از قربانیان خشونت، ج ۱
- [11] Aldridge, Mari. Brown, Kevin. (2003) "Perpetrators of Spousal Homicide: A Review", Trauma, Violence & Abuse, Vol.4, No.3, 265-276
- [12] Campbel, Jacquelyn, Daniel Webster. (2003) "Assessing Risk Factors for Intimate Partner Homicide", national Institute for Justice Journal, Issue No.250.
- [13] Mayring, Philipp (2000) "Qualitative Content Analysis", Forum: Qualitative Social Research, 1(2), Art.20.
- [14] Wilson, Margo, Daly, Martin (1992) "who kills whom in spouse killings? On the exceptional sex ratio of spousal homicide in the United States", criminology, 30:189-215.
- [15] Astin, Mica. (2007) "An Overview of Intimate Partner Homicide in Massachusetts", Massachusetts Executive office of Public Safety and Security.
- [16] Holliday, Adrian. (2002) "Approaching Qualitative Research". London: Sage publication